

پژوهشی تحلیلی در عبادت پیامبر اکرم(ص) قبل از بعثت^۱

جمال‌الدین علی‌خواجه پساوه‌ئی^۲

دانش‌آموخته دکتری دانشگاه تهران، رشته‌ی فقه شافعی، تهران، ایران.

محمد عادل ضیائی^۳

استادیار دانشگاه تهران، گروه فقه شافعی، تهران، ایران.

چکیده

پیرامون عبادت پیامبر اکرم(ص) قبل از بعثت و نحوه‌ی آن که براساس چه شریعتی بوده است، سه نظریه ارائه شده است:

۱- براساس نظریه‌ای که به فخر رازی، گروهی از شافعیه، ابوحسین بصری و پیروانش نسبت داده شده است، پیامبر اکرم(ص) قبل از بعثت خداوند را عبادت نمی‌کرده و پیرو هیچ شریعتی نبوده است. این گروه برای اثبات ادعای خویش به بعضی از آیات تمسک جسته و انجام اعمال عبادی توسط پیامبر(ص) را قبل از بعثت به مقتضای عادت می‌دانند.

۲- اکثر اصولیان بر این اعتقادند که پیامبر اکرم(ص) قبل از برانگیخته شدن به پیامبری، خداوند را عبادت می‌کرده است. پیروان این نظریه در تعیین شریعت اختلاف کرده‌اند. گروهی ایشان را پیرو شرایع پیشین - به صورت نامتعیّن یا گروهی از پیامبران یا یکی از پیامبران اولوالعزم - می‌دانند. اکثر احناف، حنابله و بعضی از مالکیه و شافعیه قائل به معتبد بودن پیامبر اکرم(ص) به شرایع پیشین قبل از بعثت هستند؛ چنان‌که امام شافعی، ابومنصور ماتریدی، ابواسحاق اسفراینی، قاضی ابویعلی و شوکانی بر این دیدگاه هستند. آیات و ادله‌ی عقلی از مبانی استدلال این گروه به‌شمار می‌روند. در مقابل جمهور مالکیه، جمهور متکلمان و اشاعره و جمهور معتزله، پیامبر اکرم(ص) قبل از بعثت را

۱. تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۱۱/۳۰؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۲/۲۵.

۲. پست الکترونیک (مسئول مکاتبات): jamalalikhaje@yahoo.com.

۳. پست الکترونیک: ma_ziaey@yahoo.com.

صاحب شریعتی مخصوص خود ایشان می‌دانند؛ چنان‌که امام مالک، قاضی ابوبکر باقلانی، ابوحسین بصری، فخر رازی، ابن‌عابدین، طوسی و مجلسی بر این باورند. اینان نیز به روایات و ادله‌ی عقلی استناد نموده‌اند.

۳- برخی مانند غزالی، آمدی، سیدمرتضی، سبکی، نووی و امام الحرمین جوینی قائل به توقف در عبادت یا عدم عبادت پیامبر اکرم(ص) قبل از بعثت هستند. براساس این نظریه، اصل، عدم وقوع است و دلیل‌های دو گروه قبلی نیز با هم ناسازگار بوده و هیچ‌یک بر دیگری ترجیحی ندارد. با بررسی و تحلیل دلایل، می‌توان گفت: پیامبر اکرم(ص) قبل از بعثت، خداوند را عبادت می‌کرده است؛ اما درباره‌ی تعیین شریعت ایشان قبل از بعثت، از آن‌جا که جوهره‌ی شرایع آسمانی یکی است و تمام پیامبران، حلقه‌های متصل یک سلسله به‌شمار می‌روند، ایشان متعبد به شرایع پیامبران پیشین به‌صورت نامتعیّن بوده است.

واژگان کلیدی: پیامبر، بعثت، عبادت، شریعت، شرایع پیشین.

Archive of SID

مقدمه

به اتفاق علمای اسلام پیامبر اکرم(ص) در سن ۴۰ سالگی به رسالت مبعوث گردید؛ ایشان پس از بعثت براساس شریعت اسلام، خداوند را عبادت می نمود؛ اما در مورد تعبد ایشان قبل از بعثت پرسش‌هایی مطرح می‌گردد؛ از جمله این که آیا اساساً پیامبر اکرم(ص) قبل از برانگیخته شدن به نبوت خداوند را عبادت می‌کرده است یا خیر؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، براساس چه شریعت یا شریعت‌هایی خداوند را عبادت کرده است؛ آیا براساس شریعت مخصوص به خود، عبادت می‌کرده یا براساس شرایع پیشین؛ مانند شریعت نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و... اعمالی را انجام داده است؟ این پرسش‌ها و پرسش‌های دیگر درباره‌ی تعبد پیامبر اکرم(ص) از مسائلی هستند که در ادامه به پاسخ آن‌ها از دیدگاه علمای مذاهب اسلامی پرداخته می‌شود.

اهمیت موضوع برای امت اسلامی از این جهت است که از سویی پیامبر اکرم(ص) برای کسی که به خدا و روز واپسین، امید و ایمان دارد و خدا را بسیار یاد می‌کند، الگو و سرمشقی پسندیده است (الأحزاب، ۲۱)؛ از این رو، آگاهی از سیره و شخصیت ایشان قبل و بعد از بعثت بی‌فایده نخواهد بود. از سویی دیگر اختلافی که در مورد حجیت شرایع پیشین بعد از بعثت وجود دارد با تعبد پیامبر اکرم(ص) قبل از بعثت ارتباط پیدا می‌کند؛ زیرا یکی از استدلال‌های علما در حجیت یا عدم حجیت شرایع پیشین بعد از بعثت، عبارت است از استصحاب قبل از بعثت؛ به‌علاوه طرح این موضوع در مسائل فقهی و نیز در قضیه‌ی نسخ کاملاً مؤثر است.

۱- عدم عبادت پیامبر اکرم(ص) و ادله‌ی آن

پیروان این دیدگاه بر این عقیده هستند که پیامبر اکرم(ص) قبل از بعثت خداوند را عبادت نمی‌کرده است و به هیچ شریعتی متعبد نبوده است. ادله‌ی عمده‌ی این گروه به شرح ذیل است:

۱-۱- آیه‌ی شریفه‌ی: «ما کنت تدری ما الکتاب و لا الیمان» (شوری، ۵۲)

برخی با تمسک به این آیه بر این باورند که پیامبر اکرم(ص) قبل از بعثت، پیرو شریعتی نبوده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۲۴۷).

در پاسخ به این استدلال سئوالاتی مطرح می‌شود: اگر فردی پیش از نزول وحی، فاقد ایمان به خدا و مقدسات باشد، چگونه می‌تواند بار وحی الهی را به دوش بگیرد؟ آیا امکان دارد فردی ۴۰ سال عمر خود را در ضلالت و گمراهی بگذراند، یک‌باره انقلابی در روح و روان او پدید آید و در جرگه‌ی رهبران آسمانی و پیام‌آوران الهی قرار گیرد و سراسر وجود او را نور احاطه گرداند؟ چگونه می‌توان او را به چنین تهمتی متهم کرد در حالی که سالیان درازی قبل از بعثت برای تهجد و نیایش به غار حرا رفته و تمام ماه رمضان را در آنجا مشغول عبادت می‌شد؟ اگر او پیش از بعثت، فاقد ایمان بود، باید مانند تمام مشرکان مکه بتی را بپرستد و در جرگه‌ی مشرکان قرار گیرد در حالی که از همان دوران کودکی تا دوران بعثت، گرد بت نگردید و بر بت سجده نکرد و لحظه‌ای با بت پرستی رابطه برقرار نداشت. پیامبر اکرم (ص) از لحظه‌ای که از شیر گرفته شد، زیر نظر بزرگ‌ترین فرشته الهی قرار گرفت تا اخلاق و آداب نیک را بیاموزد.

به نظر می‌رسد مقصود آیه این است که پیامبر اکرم (ص) قبل از بعثت نه از قرآن اطلاع داشت و نه از ایمان. اگر مقصود از «ایمان»، ایمان به خدا و مقدسات باشد، طبعاً این ادعا رنگ استدلال به خود خواهد گرفت. اما آیه‌ی شریفه فقط بر این مطلب دلالت دارد که پیامبر اکرم (ص) در یک برهه، قرآن و برخی از احکام ایمان را نمی‌دانسته است؛ البته با توجه به برخی روایات (همان، ص ۲۶۶-۲۶۴)، احتمال دارد این امر مربوط به زمان ولادت و پیش از تأیید روح القدس باشد. این آگاهی نداشتن، منافاتی با نبوت ایشان قبل از بعثت و عمل کردن به شریعت خودش قبل از نزول قرآن ندارد (همان، ص ۲۸۱). هم‌چنین به اتفاق تمام مفسران شیعه و سنی، منظور از «کتاب» در آیه‌ی مزبور، قرآن کریم است که یقیناً بعد از نزول وحی توسط جبرئیل، پیامبر اکرم (ص) به قرآن و تفصیل و مطالب آن آگاه گردید. منظور از «ایمان»، ایمان و اعتقاد به خدا نیست؛ زیرا ایمان معانی متعددی دارد و مقصود آیه‌ی شریفه، شریعت و معالم دین بوده که فهم و اعتقاد و التزام به آن در گرو وحی الهی بوده است (زمخشری، ۱۳۸۵ق، ج ۳، ص ۴۷۶؛ طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۸، ص ۷۷؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۵۸). در خود قرآن کریم نیز، ایمان در خصوص احکام و شریعت به کار رفته است: ایمان در آیه‌ی ۱۴۳، سوره‌ی بقره به معنای عمل به شریعت است؛ توضیح این‌که مسلمانان، مدت‌ها به سوی بیت‌المقدس نماز می‌گزارند، سپس به علی که در خود قرآن نیز بیان شده است، دستور آمد که به سوی کعبه نماز گزارند. گروهی از این کار دلگیر شده و تصور نمودند که با تغییر قبله، اعمال گذشته‌ی آنان ضایع خواهد شد. قرآن مجید برای روشن کردن اذهان مسلمانان چنین فرمود: «...و ما جعلنا القبلة التي كنت عليها إلا لنعلم

من يتبع الرسول ممن ينقلب على عقبيه و إن كانت لكبيره إلا على الذين هدى الله و ما كان الله ليضيع إيمانكم...» (بقره، ۱۴۳).

۲-۱- آیهی شریفه‌ی: «و وجدك ضالا فهدی» (ضحی، ۷)

قائلین به عدم تعبد پیامبر اکرم(ص) قبل از بعثت به استناد آیهی فوق گفته‌اند: ایشان قبل از بعثت در ضلالت و گمراهی و کفر به سر می‌برده است. بنابراین زمانی گمراه بوده و سپس مشمول هدایت الهی گردید.

در پاسخ بیان شده است: منظور از آیه، ضلالت در علم و آگاهی به احکام و شریعت اسلام است که پیامبر اکرم(ص) بعد از بعثت از طریق وحی به آن هدایت شده و آگاهی یافته است. هر چند برخی از مفسران بعد از این بیان اظهار داشته‌اند، ممکن است منظور از ضلالت، گم شدن متعارف باشد؛ چنان که گفته شده پیامبر اکرم(ص) در بعضی کوچه‌های مکه گم شده بود، ابوجهل ایشان را پیدا کرد و به نزد عبدالمطلب برگرداند یا این که وقتی با عمویش ابوطالب به شام رفته بود، گم شد و سپس پیدا شد یا وقتی که از قبیله‌ی بنی‌اسد به مکه برگشت داخل شهر گم شد... این که خداوند فرموده «فهدی»، یعنی «پس تو را هدایت کرد»: بنا بر معنای اول قرآن و شریعت اسلام و احکام آن را به تو شناساند. بنا بر معنای دوم بعد از گم‌شدن تو را به منزل برگرداند (زمخشری، ۱۳۸۵ق، ج ۴، ص ۲۶۴ و ۲۶۵؛ قاضی عیاض، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۷۲۶-۷۲۴).

طبرسی در مجمع‌البیان وجه دیگری بیان کرده و می‌گوید: «خداوند تو را در میان قومی یافت که حق تو را نمی‌شناختند و تو در بین آنان حیران و سرگردان بودی. سپس آنان را به شناخت تو هدایت کرد و به فضل و صداقت تو اعتراف کرده و دور تو جمع شدند» (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، ص ۷۶۶). زمخشری در تفسیر آیهی مذکور چنین می‌نویسد: «اگر نعوذ بالله پیامبر اکرم(ص) قبل از بعثت کافر بود، هر آینه این امر به عنوان نقیصه‌ای برای ایشان مطرح می‌گردید (زمخشری، ۱۳۸۵ق، ج ۴، ص ۲۶۴ و ۲۶۵).

تعبد نداشتن به شریعت، باعث ایجاد نقص برای پیامبر اکرم(ص) و پایین آمدن مقام ایشان از تمام مردم می‌گردد (میرزای قمی، بی‌تا، ص ۴۹۴؛ غزالی، ۱۴۱۹ق، ص ۳۱۸؛ سیلاوی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۱۲)؛ یعنی مردم متشرع به دین و مقید به ظواهر شرع هستند، ولی پیامبر اکرم(ص) قبل از بعثت به هیچ حکمی از احکام الهی پایبند نیست. این مطلب برای پیامبر اکرم(ص) نقص است و از آن جایی که پیامبر اکرم(ص) انسان کامل و از هر نقصی مبرا است، پس باید پیرو شریعت باشد. ایشان پنج سال از دوران کودکی خود را در صحرا در

میان قبیله‌ی «بنی سعد» گذراند. دایه‌ی ایشان حلیمه می‌گوید: «محمد سه ساله بود که به من گفت: «چرا برادران خود را در روز نمی‌بینم؟» گفتم: «آنان روزها گوسفندان را برای چرا به خارج از آبادی می‌برند»، گفت: «من نیز با آنان بیرون می‌روم». گفتم: «دوست داری بیرون بروی؟» گفت: «آری». فردای آن روز به هنگام خروج فرزندانم، سرمه در چشمان محمد کشیدم، مقداری روغن بر موی او مالیدم و برای حفظ از گزند در گردن او نخ‌انداختم که در آن مهره یمانی بود، او وقتی متوجه‌ی این کار شد، فوراً به من گفت: «نه مادر، آرام باش با من کسی هست که مرا از گزند حفظ می‌نماید» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۵، ص ۳۹۲). چنین سخن بزرگی از کودکی که سه سال از عمر او نگذشته است، حکایت از آن دارد که مریب غیبی او را همراهی کرده و به‌طور مداوم او را با معارف الهی و مکارم اخلاق آشنا می‌سازد. این سخن در حالی از پیامبر اکرم (ص) صادر شد که بزرگان آن روز از درک آن عاجز بوده و پیوسته در پناه سنگ و گل زندگی می‌کردند.

علاوه بر پاسخ‌های فوق به فرض پذیرش معنای گمراهی برای «ضال»، می‌توان مقصود از آن را گمراهی ذاتی دانست که از لوازم هر موجود ممکن است؛ زیرا ممکنات اعم از انسان و غیره در حد ذات، فاقد هر نوع کمال و هدایت هستند، سپس از جانب خداوند متعال دارای کمال و هدایت می‌شوند. موسی (ع) خداوند را برای فرعون چنین معرفی می‌نماید: «ربنا الذی أعطی کل شیء خلقه ثم هدی» (طه، ۵۰)؛ بنابراین تمام ممکنات در حد ذات، «ضال» به معنی فاقد هدایت، بوده و در پرتو الطاف الهی هدایت می‌یابند. پس مفهوم «ضال» در آیه، فقدان هدایت ذاتی است که با هدایت از نخستین روزها، کوچک‌ترین منافاتی ندارد، نه این‌که به معنای کفر و گمراهی باشد.

۳-۱- انجام اعمال عبادی براساس عادت

گاهی عبادت بر اعمال جوارحی اطلاق می‌شود که قصد قربت در آن‌ها شده است. اگر چنین معنایی از عبادت اراده شود، پیامبر اکرم (ص) پیرو شریعتی نبوده و انجام کارهایی هم‌چون طواف و مانند آن به مقتضای عادت و رفتارهای غریزی بوده است. این دلیل به فخرالدین رازی، گروهی از شافعیه، ابوالحسین بصری و پیروانش نسبت داده شده است (آلوسی، ۱۴۰۵ق، ج ۳۰، ص ۲۵۳ و ۲۵۴)

پاسخ این است که هر چند غریزه و خرد در یک رشته از امور، دلیل و راهنمای انسان می‌باشد و او در پرتو خرد، برخی از زیبایی‌ها و زشتی‌ها را درک می‌کرده است و بر انجام و

ترک آنها از عقل فرمان می‌برده است، ولی هرگز ادراکات عقلی همه‌ی جهات زندگی انسانی را روشن نمی‌سازد. پیامبر اکرم(ص) در بخشی از عمر مبارک خویش، بازرگانی می‌کرده است و برای خدیجه(س) تجارت می‌نموده است و تجارت دارای احکام حلال و حرامی است، آیا می‌توان گفت که در طول کار بازرگانی، حلال و حرام در نظر ایشان یکسان بود. در *طبقات ابن سعد* چنین آمده است: «روزگاری که محمد(ص)، اداره‌ی امور بازرگانی خدیجه را پذیرفت و قرار شد که با اموال او بازرگانی کند، میسره غلام خود را ملازم خدمت پیامبر ساخت، وی نقل می‌کند: «روزی در شام میان محمد و بازرگان شامی درباره کالایی اختلافی رخ داد، بازرگان شامی به محمد گفتند: «برای راستی گفتار خود به لات و عزی سوگند یاد کن». پیامبر(ص) در پاسخ او فرمود: «من هرگز به این دو سوگند یاد نکرده‌ام تو نیز از این دو اعراض بنما». در این موقع بازرگان شامی به تصدیق پیامبر برخاست و گفت: «حق با تو است»، آن‌گاه به میسره گفت: «به خدا سوگند، این مرد پیامبر است» (ابن سعد، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۶).

براساس آنچه در سیره‌ی ابن‌اسحاق آمده است: «در نوجوانی وقتی بحیرا، پیامبر اکرم(ص) را به لات و عزی قسم داد، آن دو را میغوض‌ترین چیز برای خود برشمرد و فرمود: «مرا به لات و عزی سوگند مده، به خدا قسم چیزی نزد من مانند آن دو میغوض نیست» (ابن‌اسحاق، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۴؛ بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۳۵؛ قاضی عیاض، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۷۲۹).

روشن‌ترین گواه بر ایمان و توحید پیامبر اکرم(ص) این است که در مدت ۴۰ سالی که پیامبر در میان مردم زندگی کرد، هرگز دیده نشد که یک بار بر بتی سجده کند یا از خط توحید کنار برود. بلکه سالیان درازی قبل از بعثت در غار حرا به اعتکاف و عبادت خدا می‌پرداخت و در همین حالت بود که امین وحی آمد و ایشان را به نبوت و رسالت بشارت داد. از علی(رض) درباره‌ی پیامبر اکرم(ص) سؤال شد که آیا بتی را - حتی برای یک‌بار- عبادت کرده است؟ گفت: «نه». سؤال شد: «آیا خمر نوشیده است؟» گفت: «نه» (صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۰۰). پیامبر اکرم(ص) قبل از بعثت در مراسم حج شرکت داشته است (مسلم، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۴؛ ابن حجر، بی‌تا، ج ۸، ص ۸۰؛ حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۱۲۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱، ص ۲۸۰) و مراسم حج عبادتی است که برای خود ملاک مشخص و لازم دارد.

افزون بر حج، انجام برخی رفتارها و مناسک دیگر، هم‌چون اکل مذکی، گفتن بسم‌الله در ابتدای اکل و مانند آن‌ها نشانه‌ی خوبی برای رد دیدگاه عدم تعبد پیامبر اکرم(ص) قبل

از بعثت است (میرزای قمی، بی‌تا، ص ۴۹۴؛ سیلاوی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۱۲). پیامبر اکرم(ص) قبل از بعثت، اعمالی را انجام می‌داد که با عقل به آن‌ها رهنمون نمی‌شد، بلکه دست‌یابی به آن از طریق شرع ممکن بود. (غزالی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۶۵). هم‌چنین از نظر روایات تاریخی، مسلم است که پیامبر اکرم(ص) در آن زمان عبادت کرده و به اصولی پایبند بوده است. (جعفری، ۱۳۸۴ش، ص ۶۴) در روایتی چنین آمده است: «اولین چیزی که از وحی برای رسول الله(ص) شروع شد رؤیای صالحه بود و رؤیایی نمی‌دید، مگر این‌که مثل فلق صبح برای او می‌آمد. بعد به خلوت روی آورد و در غار حرا خلوت می‌کرد و شبهایی را بدون این‌که به اهلش مراجعت کند عبادت می‌کرد. سپس نزد خدیجه بازمی‌گشت تا این‌که حق بر او آمد، در حالی‌که در غار حرا بود و فرشته بر او وارد شد و گفت: «بخوان!» گفت: «من خواندن نمی‌دانم.» (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۴؛ مسلم، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۳۹).

براساس این روایت، پیامبر اکرم(ص) قبل از بعثت متعبد بوده است. به گفته‌ی اُسنوی در این مورد که پیامبر اکرم(ص) قبل از نبوت در غار حرا به عبادت مشغول می‌شد، اختلافی نیست؛ زیرا در حدیث کلمه‌ی «یتحنّث» آمده که معنی عبادت در شب‌های متعدد را می‌رساند (مطیعی، ۱۳۴۳ق، ج ۳، ص ۶۶۰).

بخیت مطیعی، تعلیقی بر این گفته‌ی اُسنوی دارد و چنین می‌نویسد: «خلاء به معنی خلوت گزیدن یا مکانی که کسی در آن‌جا نیست و معنایش واضح و روشن است. اما «تحنّث» در حدیث به تعبّد معنی شده و به جای آن کلمه‌ی «تحنّف» هم در بعضی روایت‌ها آمده است». تمیمی می‌گوید: «در مورد «یتحنّث» از ابو عمر شیبانی سؤال کردم، گفت نمی‌دانم، همان «یتحنّف» که از «حنفیه» دین ابراهیم(ع) می‌باشد». در سیره‌ی ابن هشام هم «یتحنّف» که به معنی تعبّد می‌باشد آمده است (همان).

هم‌چنین اسنادی دال بر انجام برخی اعمال عبادی مانند: نماز و روزه توسط پیامبر اکرم(ص) از ابتدای تکلیف به شکل مخفیانه وجود دارد (فتال نیسابوری، بی‌تا، ص ۵۲).

۲- عبادت پیامبر اکرم(ص) و ادله‌ی آن

با توجه به مطالب مطرح شده در مبحث قبلی، آشکار گردید که پیامبر اکرم(ص) قبل از بعثت مؤمن و موخّد بوده و به‌طور مستمر، خداوند را عبادت می‌نموده است. اما مسأله‌ای که در این مبحث مطرح است، این است که پیامبر اکرم(ص) در ۴۰ سال زندگی خویش قبل از بعثت در عبادات و معاملات خود براساس کدام یک از شرائع عمل می‌نمود؟ این حجر در این

زمینه چنین نقل آرا می‌کند: اختلاف شده در این که آیا رسول خدا(ص) (قبل از بعثت) براساس شریعتی دیگر از ادیان پیشین عبادت می‌نموده است یا نه؟ قول جمهور علما این است که ایشان براساس شریعت دیگری عبادت نمی‌نموده و برای این ادعای خود چنین استدلال می‌کنند که اگر چنین می‌بود، حتماً نقل شده و مراجعه به آن دین صورت می‌گرفت. هم‌چنین در این که ایشان بر چه اساسی عبادت می‌نموده است؟ بعضی گفته‌اند: طبق آن چه که از انوار معرفت القا می‌پذیرفت. برخی نیز طبق آن چه که از رؤیا و خواب به ایشان می‌رسید. بعضی نیز گفته‌اند: طبق تفکرات خود و گروهی دیگر گفته‌اند: طبق آن چه که از قوم خود مشاهده می‌نمود. آمدی و گروهی دیگر قول اول را ترجیح داده‌اند و در این مطلب نیز اختلاف کرده‌اند که آیا از دین چه کسی پیروی می‌کرده است؟ آدم یا نوح یا ابراهیم یا موسی یا عیسی یا هر شریعت دیگری؟ یا توقف و عدم اختیار قولی (ابن حجر، بی- تا، ج ۱۲، ص ۳۱۲).

در *عده الاصول* نیز در این مورد چنین آمده است: «بین فقها و متکلمان در این زمینه اختلاف نظر وجود دارد. اکثر متکلمان از اهل عدل (معتزله) بر چند اعتقادند. به اعتقاد ابوعلی و ابوهاشم رسول خدا(ص) نه قبل از بعثت و نه بعد از آن به هیچ شریعتی از انبیای قبل خود متعبد نبوده و آن چه خود عمل می‌نموده است به‌عنوان شریعت مخصوص خود ایشان تلقی می‌گردیده است و در بین علما بعضی بر این اعتقادند که ایشان به شریعت بعضی از پیامبران قبل از خود متعبد بوده است. اما به کدام شریعت؟ در این خصوص اختلاف نظر وجود دارد. بعضی بر این قول هستند که به شریعت ابراهیم(ع) و بعضی قائل به متعبد بودن براساس شریعت موسی(ع) هستند و نیز بین متکلمان هم در این مورد اختلاف وجود دارد. بعضی به‌طور قطع بر این قولند که ایشان به شریعت انبیای قبل خود متعبد بوده و بعضی به‌طور قطع با این نظر مخالفند و بعضی هم توقف نموده و هر یک از دو وجه را جایز دانسته‌اند» (طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۵۹۰).

۲-۱- تعبد پیامبر اکرم(ص) به شرایع پیشین

اکثر احناف، حنابله و بعضی از مالکیه و شافعیه قائل به متعبد بودن پیامبر اکرم(ص) به شرایع پیشین قبل از بعثت هستند (ابن‌قدامه، ۱۹۹۱م، ج ۱، ص ۴۵۹؛ ابویعلی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۷۶۵ و ۷۶۶؛ بصری، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۳۳۷). چنان‌که امام شافعی، ابویعلی جبائی، ابومنصور ماتریدی، ابواسحاق اسفراینی، قاضی ابویعلی، ابن‌عقیل حنبلی و شوکانی بر این دیدگاه

هستند (شوکانی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۹۸۲-۹۷۹؛ زرکشی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۳۹؛ ابویعلی، همان، ج ۳، ص ۷۶۶).

در کتاب شرح الکوکب المنیر از ابن نجّار حنبلی چنین آمده است: «از لحاظ عقلی جایز است که پیامبر اکرم(ص) مطابق شریعتی از پیامبران قبل از خودش خدا را عبادت کند و این قول صحیح مذهب است. اکثر اصحاب ما این قول را اختیار کرده‌اند و امام احمد هم بر این رأی بوده است. در بین شافعیه هم قاضی این را گفته است» (ابن نجّار، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۰۹).

دیدگاه تعبد پیامبر اکرم(ص) به شرایع پیشین قبل از بعثت با روایاتی منقول از خود ایشان نیز تقویت می‌شود. چنان‌که در روایتی می‌فرماید: «همه‌ی پیامبران برادر هستند که از یک پدر می‌باشند؛ یعنی مادرشان یکی نیست، اما دینشان یکی است» (ابن حنبل، ۱۹۸۵م، ج ۲، صص ۴۰۶ و ۴۸۲؛ بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۴، ص ۱۴۲). در روایتی دیگر، پیامبر اکرم(ص) مثل خود را نسبت به نبوت، مثل آخرین خشت یک ساختمان دانسته که با برجای خود نهادن آن، کار عمارت آن ساختمان به پایان و کمال می‌رسد (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۴، ص ۱۹۶؛ مسلم، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۳-۲۱؛ ناصف، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۲۹). براساس این روایت، پیامبر اکرم(ص) آخرین فرستاده از سلسله‌ی پیامبران الهی است.

به گفته‌ی نجم‌الدین طوفی در رابطه با تعبد پیامبر اکرم(ص) قبل از بعثت، میان اصولیان اختلاف وجود دارد. بعضی از آنان گفته‌اند متعبد به شرایع پیشین بوده است؛ زیرا هر کدام از پیامبران قبل از ایشان تمامی انسان‌های مکلف را به شریعت خود دعوت می‌نموده و پیامبر هم یکی از آنان بوده است. پس دعوت عام پیامبران شامل ایشان هم شده است (طوفی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۸۱).

به عقیده‌ی امام احمد کسی که گمان می‌کند پیامبر اکرم(ص) قبل از بعثت بر دین قومش بوده است در اشتباه است؛ زیرا ایشان براساس روایتی از خوردن آنچه که بر بت‌ها ذبح می‌شد، امتناع می‌ورزید (ابویعلی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۷۶۵): «رسول خدا(ص) با زیدبن-عمرین نفیل در منطقه‌ی پایین بلدح (نقطه‌ای در نزدیکی مکه) برخورد کرد و این قبل از زمانی بود که به رسول خدا(ص) وحی نازل می‌شد، سفره‌ی طعمی را برای او فرستاد که در آن گوشت بود، اما از خوردن آن امتناع ورزید و گفت: «من از گوشتی که برای بت‌هایتان ذبح کرده‌اید نمی‌خورم» (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۵، ص ۲۰۹۵).

تعبد پیامبر اکرم(ص) به شرایع پیشین به دو صورت بیان شده است: دیدگاه اول این شریعت را نامتعیین می‌داند؛ بدین معنا که پیامبر اکرم(ص) پیرو شریعت خاصی از پیامبران

گذشته نبودند و مأمور به تبعیت از عده‌ای از پیامبران بودند که نام آنان مشخص نیست. دیدگاه دوم بر این باور است که پیامبر اکرم(ص) قبل از بعثت، پیرو شریعت گروهی از پیامبران یا یکی از پیامبران اولوالعزم بودند.

براساس دیدگاه اول پیامبر اکرم(ص) مأمور به پیروی از شرایع پیشین است. اما این شریعت‌ها به‌طور مشخص تعیین نشده‌اند. البته تلاش نگارنده برای یافتن دلیلی برای این دیدگاه بی‌نتیجه ماند. تنها از معتزله این‌گونه نقل شده که پیامبر اکرم(ص) ناگزیر است از دینی پیروی نماید؛ اما آن دین نزد ما معلوم نیست (قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۶، ص ۵۷). آن-گونه که قشیری حکایت کرده است، ابواسحاق به این رأی تمایل داشته است (زرکشی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۳۹).

براساس دیدگاه دوم در تبعیت پیامبر اکرم(ص) از شرایع پیشین، پیامبر اکرم(ص) قبل از بعثت از شریعت خاصی پیروی می‌کرد. در حقیقت این دیدگاه در پی تعیین شریعتی است که پیامبر اکرم(ص) قبل از بعثت از آن پیروی کرده است.

۱-۲-۱- تبعید پیامبر اکرم(ص) به شرایع گروهی از پیامبران

از آیه‌ی شریفه‌ی: «أولئك الذين هدى الله فبهداهم اقتده...» (أنعام، ۹۰)، چنین برداشت می‌شود که به پیامبر اکرم(ص) امر شده است در شریعت خود به گروهی از پیامبران اقتدا کند. امام احمد بن حنبل به استناد همین آیه، پیامبر اکرم(ص) را متعبد به احکامی از شرایع پیشین می‌داند که نسخ نشده‌اند. اکثر حنابله، ابن‌الحاجب، کمال بن همام و محب‌الله بن عبدالشکور نیز بر این رأی هستند (زرکشی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۳۹؛ شوکانی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۹۷۹).

در برخی اقوال پیامبر اکرم(ص) متعبد به شرایع گذشته بود، اما نه از طریق نقل و کتاب‌های آنان (آلوسی، ۱۴۰۵ق، ج ۳۰، ص ۲۵۳؛ مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۳۵۸). نام این پیامبران بنا بر آیات ۸۳ تا ۸۶ از سوره‌ی مبارکه‌ی انعام، ۱۸ نفر به قرار ذیل است: ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع). از این رو پیامبر اکرم(ص) باید پیرو شریعت یک یا همه‌ی پیامبران ذکر شده، باشد.

۲-۱-۲- تعبد پیامبر اکرم(ص) به شریعت یکی از پیامبران اولوالعزم

پیامبر اکرم(ص) قبل از بعثت براساس یکی از شریعت‌های پیامبران اولوالعزم(ع) خداوند را عبادت می‌نموده است. این شریعت‌ها براساس تقدم تاریخی پیامبران مذکور، تقریر شده و مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

در میان نظریه‌های گوناگون، دیدگاهی به ابن‌برهان نسبت داده شده (صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۷۱؛ ابن حجر، بی‌تا، ج ۸، ص ۵۵۰) که پیامبر اکرم(ص) قبل از بعثت، از شریعت آدم(ع) پیروی می‌کرد؛ زیرا شریعت آدم(ع) اولین شریعت برای انسان بوده است (زرکشی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۳۹؛ شوکانی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۹۷۹).

بنا بر قولی دیگر، آیه‌ی شریفه‌ی «شرع لکم من الدّین ما وصّی به نوحا» (شوری، ۱۳) بر تبعیت پیامبر اکرم(ص) از نوح(ع) دلالت می‌نماید (غزالی، ۱۴۱۹ق، ص ۳۱۸). نیز گفته شده است که پیامبر اکرم(ص) به شریعت نوح(ع) عمل می‌کرد؛ زیرا نوح(ع) اولین پیامبر دارای شریعت بود (غزالی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۶۷؛ زرکشی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۳۹).

برخی مانند ابومنصور، واحدی، ابن عقیل حنبلی، بغوی، ابن تیمیه و شوکانی بر این باورند که پیامبر اکرم(ص) قبل از بعثت به شریعت ابراهیم(ع) عمل می‌نموده است؛ این قول به امام شافعی نیز نسبت داده شده است (امام الحرمین، ۱۳۹۹ق، ج ۱، ص ۵۰۷؛ غزالی، همان، ص ۱۶۶). حصکفی در *الدرالمختار* چنین می‌نویسد: «بلکه (پیامبر اکرم(ص) براساس آنچه از کشف صادق برای ایشان از شریعت ابراهیم و غیر او آشکار می‌گردید، عمل می‌نمود (حصکفی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۸۷).

ادله‌ی این گروه که عبادت پیامبر اکرم(ص) قبل از بعثت را براساس آئین ابراهیم(ع) می‌دانند، به شرح ذیل است:

اول- در خصوص پیامبر اکرم(ص) یقین داریم که ایشان به خداوند متعال ایمان داشته و موحد بوده است. ایشان ملتزم به دین حنیف بود و کارهایی انجام می‌داد که جز از طریق شرع، انجام دادن آن‌ها میسر نبود. در تبعیت ایشان از ابراهیم(ع) افزون بر این که شریعت ابراهیم(ع) مانند شریعت پیامبر اکرم(ص) جهانی است، آیات بسیاری نیز به عنوان شاهد ذکر شده‌اند (مرتضی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۱۹۹-۱۹۷): ۷۸، سوره‌ی حج؛ ۱۲۵، سوره‌ی نساء؛ ۹۵ و ۶۸، سوره‌ی آل عمران.

در آیه‌ی ۶۸ از سوره‌ی آل عمران خداوند سزاوارترین مردم نسبت به ابراهیم را کسانی معرفی می‌نماید که از او پیروی کردند و هم‌چنین پیامبر اکرم(ص) و همه‌ی مؤمنان از مهاجرین و

انصار. بنابراین پیامبر اکرم(ص) متعبد به شریعت ابراهیم(ع) بوده است (ابن کثیر، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۸۰).

با توجه به آیات ۱۳۵، سوره ی بقره؛ ۱۶۱، سوره ی انعام و ۱۲۳، سوره ی نحل به پیامبر اکرم(ص) دستور داده شده از دین ابراهیم(ع) پیروی نماید و با استناد به این که در آن زمان افرادی به نام حنیف در مکه وجود داشتند که خود را پیرو آیین ابراهیم(ع) می دانستند، پیامبر اکرم(ص) آشنایی داشت و برخی از شریعت ابراهیم(ع) را به صورت تفصیلی می دانست. عبادت ایشان(ص) با الهام و رؤیای صادقه از پروردگار و بدون وحی صورت گرفته است (ابوزهره، بی تا، ج ۱، ص ۲۷۹ و ۲۸۰). از این رو می توان به تبعیت رسول خدا(ص) از دین ابراهیم(ع) قائل شد (جعفری، ۱۳۸۴ش، ص ۶۸ و ۶۹). البته در این جا تبعیت فاضل از مفضول اشکالی ندارد؛ زیرا ابراهیم(ع) در تبعیت از حق سبقت گرفته است و این لطمه ای به افضلیت فاضل نمی زند (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۲۰۹).

دوم- پیامبر اکرم(ص) از فرزندان ابراهیم(ع) و ابراهیم(ع) ابوالانبیاست؛ بنابراین از شریعت وی پیروی می نمود (قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۶، ص ۵۷). در این استدلال اشکال واضحی وجود دارد و آن این که هیچ ارتباط و تناسبی میان فرزند ابراهیم(ع) بودن و تبعیت از شریعت ایشان وجود ندارد.

سوم- مطابق آیات قرآن، پیامبر اکرم(ص) حتی پس از بعثت، خود را پیرو آیین ابراهیم(ع) می داند. با وجود این مطلب، آیا درست نیست که ایشان را قبل از بعثت، پیرو شریعت ابراهیم(ع) بدانیم (جعفری، ۱۳۸۴ش، ص ۶۹)؟

در پاسخ باید گفت تبعیت پیامبر اکرم(ص) بر فرض این که بر شریعت ابراهیم(ع) باشد، به صورت جزئی و در برخی شرایع است. اگر ایشان از شریعت ابراهیم(ع) در دوران رسالت به صورت کامل پیروی نماید، این مطلب به ذهن خطور می کند که شریعت اسلام احیاگر شریعت ابراهیم(ع) است، نه این که شریعتی جهانی و فراگیر باشد.

چهارم- با توجه به دو شاهد ذیل، پیامبر اکرم(ص) قبل از بعثت، از دین ابراهیم(ع) پیروی می نمود:

یکی آن که دین ابراهیم(ع) دو شعبه شد. انشعاب اولی در بنی اسرائیل - از اسحاق و یعقوب تا موسی و عیسی(ع)- و انشعاب دومی در میان اعراب - از اسماعیل تا یسع و ذوالکفل(ع)- بود که آیه ی شریفه ی «و اذکر اسماعیل و الیسع و ذا الکفل و کل من الأخیار» (ص، ۴۸) به آن اشاره دارد.

شاهد بعدی وجود مناسک حج در آیین ابراهیم(ع) است (ابن حجر، بی تا، ج ۸، ص ۵۵۰) که از طریق شعبه‌ی اسماعیلی در میان اعراب استمرار داشت. این فریضه در میان انشعاب اسحاقی وجود نداشته و اثری از آن در تورات و انجیل نیست. این شواهد نشان می‌دهد که دین ابراهیم(ع) به وسیله‌ی اسماعیل(ع) در حجاز به حیات خود ادامه داده است. بنابراین پیامبر اکرم(ص) قبل از بعثت، متدین به شریعت ابراهیم(ع) بوده است (آلوسی، ۱۴۰۵ق، ج ۳۰، ص ۲۵۳؛ مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، صص ۳۵۸ و ۳۵۹).

در پاسخ این دلیل می‌توان بیان کرد:

اولاً از بیان قرآن کریم «و أذن فی الناس بالحج یأتوک رجالا و علی کل ضامر یأتین من کل فج عمیق» (حج، ۲۷)، فراگیر بودن این آموزه برداشت شده و انحصار آن به انشعاب اسماعیلی درست نیست.

ثانیاً روایاتی در منابع حدیثی (کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۴، ص ۲۱۲؛ ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۲۹) وجود دارد که بیان می‌دارد پیامبران حج به جای می‌آوردند. ثالثاً مطابق دیدگاهی، حج در میان یهودیان وجود داشته و بعدها به انحراف کشیده شده و دست‌خوش تحریف گشته است (مؤمن، ۱۳۸۱ش، ص ۴۰).

پنجم- پدر و نیاکان پیامبر اکرم(ص) همگی بر دین حنیف و شریعت ابراهیم(ع) بودند و این امر دلیلی بر پیروی ایشان از شریعت ابراهیم(ع) است (جعفری، ۱۳۸۴ش، ص ۶۹).

در پاسخ باید بیان داشت، یکی از مشکلاتی که همه‌ی پیامبران(ع) در تبلیغ دین خدا و مطیع کردن مردم در برابر فرمان‌های الهی با آن روبرو بودند، پیروی آنان از دین اجدادشان بود. پذیرش چنین شهادی با تعالیم دین مبین اسلام، فطرت انسانی و تصریح برخی آیات بر پیروی نکردن از دین پدران و تأکید بر تأمل در عقاید، منافات دارد.

تبعیت پیامبر اکرم(ص) قبل از بعثت از شریعت موسی(ع) از جمله دیدگاه‌های مطرح شده در این زمینه است. پیامبر اکرم(ص) از شریعت موسی(ع) پیروی می‌نمود؛ زیرا این شریعت، قدیمی‌ترین شریعت است (قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۶، ص ۵۷) و با توجه به آیه‌ی شریفه‌ی: «إنا أنزلنا التوراه فیها هدی و نور یحکم بها النبیین» (مائده، ۴۴)، پیامبر اکرم(ص) باید براساس تورات حکم نماید (غزالی، ۱۴۱۷ق، صص ۱۶۷ و ۱۶۸). هر چند کتاب موسی(ع) نسخ شده است؛ اما اکثر احکام آن باقی‌مانده و عیسی(ع) هم در بعضی از احکامش تابع شریعت موسی(ع) بوده است (همان، ص ۱۶۶).

برخی پیامبر اکرم(ص) را قبل از بعثت، متعبد به شریعت عیسی(ع) می‌دانند. از صاحبان این دیدگاه می‌توان: ابواسحاق اسفراینی (شوکانی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۹۸۰) و طوفی حنبلی

(طوفی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۸۳) را نام برد. این گروه بر این باورند که شریعت عیسی(ع) نسخ همه‌ی ادیان و آخرین دین پیش از اسلام است؛ بنابراین پیامبر اکرم(ص) باید از شریعت مسیح(ع) - نه از ادیان منسوخ - پیروی نماید (قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۶، ص ۵۷؛ غزالی، ۱۴۱۹ق، ص ۳۱۹). تنها دین بر حق قبل از بعثت، دین عیسی(ع) است و پیامبر اکرم(ص) باید از آن پیروی می‌نمود (جعفری، ۱۳۸۴ش، ص ۶۴).

در روایتی از ابوهریره چنین آمده است که پیامبر اکرم(ص) فرمود: «من سزاوارترین مردم به عیسی پسر مریم هستم؛ تمام پیامبران در یکتاپرستی مشترکند، میان من و عیسی پیامبری وجود ندارد» (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۱۲۷۰؛ مسلم، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۸۳۷؛ ابن‌حبان، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۳۱۷).

در نقلی دعوت موسی(ع) و عیسی(ع)، دعوتی جهانی معرفی می‌شود که شامل همه‌ی مکلفان از جمله پیامبر اکرم(ص) می‌گردد. با این استدلال، پیامبر اکرم(ص) متعبد به یکی از این دو شریعت می‌شود (غزالی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۶۸).

دلیل دیگری که بر تعبد پیامبر اکرم(ص) به شریعت عیسی(ع) بیان شده، این است که خداوند عیسی(ع) را یاری‌دهنده‌ی خودش نام برده و هر کس یاری‌دهنده‌ی خداوند باشد، دعوتش عمومی است؛ مگر این‌که دلیلی بر اختصاص دعوتش وجود داشته باشد (صف، ۱۴). در این آیه خداوند به ما امر کرده که انصار و یاری‌دهندگان دینش باشیم، همان‌طور که عیسی(ع) و حواریون گفتند: ما یاری‌دهندگان خدا هستیم و هر کس یاری‌دهنده‌ی خدا باشد، دعوتش عمومی است، مگر این‌که دلیلی برای اختصاص دعوتش وجود داشته باشد؛ مانند اختصاص دعوت لوط(ع) به سدوم یا شعیب(ع) به مدین و اصحاب‌الایکه که در قرآن به آن‌ها اشاره شده است (طوفی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۸۲). برای عام بودن دعوت عیسی(ع) به آیات دیگری (مریم، ۲۱؛ انبیاء، ۹۱؛ مؤمنون، ۵۰) نیز استناد شده است (همان، ص ۱۸۱).

۲-۲- تعبد پیامبر اکرم(ص) به شریعت خود

افرادی بر این باورند که پیامبر اکرم(ص) از آغاز متعبد به شریعت خودش بوده است. جمهور مالکیه و جمهور متکلمان و اشاعره و جمهور معتزله این دیدگاه را دارند. امام مالک، قاضی ابوبکر باقلانی، ابوالحسین بصری معتزلی (بصری، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۹۰۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۲۷۱؛ آمدی، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۱۳۷)، محمدبن عبدالحمید، امام فخررازی، طوسی (طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۵۹۰)، مجلسی (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۲۷۷) و عبدالله

شبر (شبر، ۱۳۵۲ق، ج ۱، ص ۱۳۵) بر این عقیده‌اند (بصری، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۳۳۷؛ امام الحرمین، ۱۳۹۹ق، ج ۱، ص ۲۹۹).

نظر مختار ابن عابدین در رابطه با عبادت پیامبر اکرم (ص) قبل از بعثت، عدم عبادت ایشان طبق شریعت دیگر است، وی نظر جمهور علما را نیز همین می‌داند (ابن‌عابدین، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۹۷).

قائلان این دیدگاه بر این باورند که پیامبر اکرم (ص) مؤید به روح القدس بود، ملک با او سخن می‌گفت، صدای او را می‌شنید و او را در خواب مشاهده می‌نمود. پیامبر اکرم (ص) تا ۴۰ سالگی که به رسالت مبعوث گردید، به این شیوه می‌زیست و در این دوران نبی بود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۶، ص ۷۵؛ شبر، ۱۳۵۲ق، ج ۱، ص ۱۳۵). پس از ۴۰ سالگی به مقام رسالت رسید و به صورت شفاهی با روح القدس گفت‌وگو می‌کرد. قرآن بر ایشان نازل گشت و امر به تبلیغ شد. قبل از رسالت، خداوند را به گونه‌هایی از عبادت می‌پرستید که یا موافق با آن چیزی بود که پس از تبلیغ، مردم را به آن‌ها امر کرد یا مطابق شریعت ابراهیم (ع) یا شرایع پیامبران (ع) بود؛ البته نه به صورت تبعیت از آنان، بلکه به این بیان که آن‌چه به ایشان وحی می‌شد، مطابق با برخی مطالب شرایع پیشین بود (مجلسی، همان، ج ۱۸، ص ۲۷۷).

به اعتقاد شیخ طوسی، پیامبر اکرم (ص) به هیچ شریعتی از انبیای قبل از خود متعبد نبوده است نه قبل از نبوت و نه بعد از نبوتش؛ بلکه هر عبادتی که انجام می‌داده برای خود ایشان به عنوان یک شریعت محسوب می‌گردیده است، نه از باب تبعیت از شریعت قبل از خود (طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۵۹۰).

دلایل این گروه به قرار ذیل است:

اول- اگر پیامبر اکرم (ص) قبل از بعثت، متعبد به شریعتی بود به‌طور حتم به آن عمل می‌نمود. در صورت عمل کردن باید به واسطه‌ی رفت‌وآمد با ناقلان آن شریعت آن کارها را انجام می‌داد و در تاریخ نقل می‌شد (ابن‌حجر، بی‌تا، ج ۸، ص ۵۵۰). اما نه رفت‌وآمد با نصارا و نه انجام کارهایی شبیه آن در تاریخ نقل نشده است یا در صورت نقل، شهرت پیدا می‌کرد. به همین سبب اهل ادیان به آن فخر می‌فروختند (مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۳۵۹) و اهل آن شرایع با پیامبر اکرم (ص) محاجه کرده و تعالیم اسلام در آنان تأثیری نداشت (صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، صص ۷۰ و ۷۱؛ قاضی عیاض، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۴۸). بنابراین پیامبر اکرم (ص) متعبد به هیچ پیامبری نبوده است.

دوم- اگر پیامبر اکرم(ص) متعبد به شرایع پیشین بود، اختلاف میان قائلان به تعبد در تعیین شریعتی که تابع آن بوده به وجود نمی‌آمد. از سویی دیگر مشخص است که شرایع بنی‌اسرائیل به فرزندان اسماعیل نرسیده است، بلکه هر پیامبری فقط در میان قوم خودش مبعوث می‌شد و رسالتش به دیگر اقوام نمی‌رسید و در میان آنان رایج نمی‌شد. بنابراین پیامبر اکرم(ص) متعبد به شریعت هیچ یک از پیامبران قبل از خودش نبوده است (قرافی، ۱۴۲۴ق، ص ۳۶۹).

سوم- در صورت تعبد پیامبر اکرم(ص) به شریعت یکی از پیامبران قبل از خودش، لازم بود به علمای آن شریعت رجوع کرده و در مورد مسائل شرعی از آنان استفتا کرده و به قول آنان عمل نماید و اگر پیامبر اکرم(ص) چنین کاری را انجام می‌داد در میان مردم شهرت پیدا می‌کرد و کسانی به صورت متواتر آن را نقل می‌کردند و از آن‌جا که در این زمینه نقل قولی صورت نگرفته است، روشن می‌شود به هیچ‌کدام از شرایع متعبد نبوده است (بصری، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۳۳۸).

به این استدلال چنین ایراد می‌شود که اگر پیامبر اکرم(ص) متعبد به هیچ شریعتی از شرایع پیشین نبود، نقل می‌شد و در بین مردم شایع می‌گشت که از شریعت هیچ کدام از پیامبران قبل از خودش پیروی نکرده است و از آن‌جا که نه تعبد و نه عدم تعبد، هیچ کدام روایت نشده است، نمی‌توان هیچ کدام را بر دیگری ترجیح داد و به دلیل تعارض، استدلال به آن باطل است (امام الحرمین، ۱۳۹۹ق، ج ۱، ص ۵۰۹؛ آمدی، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۱۳۸). ابن‌حاجب این ایراد را نقض کرده و می‌گوید: عدم شهرت این مطلب سبب‌های دیگری دارد و آن این‌که متعبد بودن پیامبر(ص) به شرایع پیشین مستلزم مراجعه و جست‌وجو از مسائل شرعی آنان نیست؛ زیرا نقل این شرایع از طریق تواتر صورت گرفته نه از طریق آحاد و خبر متواتر هم نیازی به معاشرت و پرس‌وجو ندارد، برخلاف خبر آحاد؛ زیرا خبر آحاد از اهل کتاب پذیرفته نمی‌شود به دلیل تحریفی که در کتاب آن‌ها صورت گرفته است (أبوالثنا- الاصفهانی، ۱۹۸۶م، ج ۳، ص ۲۶۹).

بعضی از علما سبب دیگری برای عدم ارتباط پیامبر اکرم(ص) با اهل کتاب و بی‌نیاز بودن ایشان از این ارتباط مطرح می‌نمایند و آن این‌که مسائل شرعی از طریق الهام به ایشان می‌رسیده است (طوفی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۸۳).

چهارم- شرایع پیشین به واسطه‌ی شریعت عیسی(ع) نسخ شده‌اند. ناقلان شریعت ایشان نیز کافر شده، شریعت وی دستخوش تحریف و تغییراتی چون تثلیث، حلول و اتحاد گردید. از همین رو اعتماد و عمل به نقل آن‌ها وجود نداشت و پیامبر اکرم(ص) پیرو آن شریعت

نبود؛ اما در امور کلی و قواعد حقیقی، مانند علم به وجود آفریدگار و یگانگی او، صفات و افعال الهی، اصل معاد، مکارم اخلاق و ... که همه‌ی پیامبران بر آن اتفاق نظر دارند، متعبد بود. شاهد این مطلب، آیه‌ی شریفه‌ی ۱۶۱ از سوره‌ی أنعام است. البته تعبد پیامبر اکرم(ص) به این امور، دلیلی بر پیروی ایشان(ص) از گذشتگان به سبب تقدم آنان نیست؛ زیرا امور مذکور در حقیقت کمال‌هایی هستند که اعتقاد به آن‌ها واجب و رعایت آن‌ها برای رسیدن به کمال، الزامی است (بحرانی، ۱۴۰۶ق، ص ۱۳۶).

پنجم- در صورتی که پیامبر اکرم(ص) تابع شریعت یکی از پیامبران پیشین بود، آن شریعت را نام می‌برد؛ زیرا احتمال کتمان از جانب ایشان وجود ندارد و از آن‌جا که پیروی از شریعت و پیامبری قبل از خودش را ذکر نکرده است، درمی‌یابیم که به شرایع قبل از خودش متعبد نبوده است (زرکشی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۴۰؛ شوکانی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۹۸۱). ششم- پیامبر اکرم(ص) برترین پیامبران است و پیروی فاضل از مفضول جایز نیست. ایشان قبل از بعثت، متعبد به شریعت خویش بوده است؛ زیرا از نظر عقلی بعید است که فرد متبوع، تابع باشد (طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۵۹۰؛ شبر، ۱۳۵۲ق، ج ۱، ص ۱۳۵؛ غزالی، ۱۴۱۹ق، ص ۳۱۸؛ ابن حجر، بی تا، ج ۸، ص ۵۵۰؛ قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۶، ص ۵۷). پیامبر اکرم(ص) متبوع بود به آن دلیل که تمام پیامبران از ازل، مأمور به ایمان آوردن و یاری ایشان بودند (صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۷۱). دلیل آن هم آیه‌ی ۸۱ از سوره‌ی آل عمران است.

شیخ طوسی در عده الاصول چنین می‌نویسد: «دلیل ما بر ادعایمان، اجماع علما بر این مطلب و عدم وجود اختلاف در آن است و دلیل دیگرمان این است که به اجماع ثابت گردیده که ایشان از تمام انبیای قبل از خود افضل و برتر است. بنابراین جایز نیست که خداوند متعال افضل را به تبعیت از مفضول امر نماید (طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۵۹۰).

هفتم- برخی از طریق نقض احتمال پیروی از شرایع پیشین - برهان خلف - نتیجه گرفته‌اند که پیامبر اکرم(ص) براساس شریعت خویش، خدا را عبادت می‌نموده است (همان، صص ۵۹۱ و ۵۹۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، صص ۲۷۹ و ۲۸۰).

هشتم- در صورت تعبد پیامبر اکرم(ص) به یکی از شرایع پیشین، پیروان آن شریعت بعد از بعثت ایشان به آن افتخار کرده و فضیلتی برای خود به حساب می‌آوردند؛ زیرا بعد از مبعوث شدن پیامبر اکرم(ص) شأن و منزلت والا و جایگاه ایشان برای همه روشن گردید. شأن و منزلت پیامبر اکرم(ص) نسبت به کسانی که قبل از بعثت دارای شریعت بودند، بسیار بالاتر بود. از آن‌جا که مطلبی نقل نشده که پیروان شریعتی افتخار و فضیلتی برای خود در

رابطه با تعبد پیامبر اکرم(ص) به شریعت ایشان ادعا نموده باشند، به این نتیجه می‌رسیم که ایشان به شریعت هیچ یک از پیامبران قبل از خودش متعبد نبوده است (فخررازی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، صص ۲۶۳ و ۲۶۴؛ غزالی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۶۵؛ آمدی، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۱۳۸).

در رد این استدلال بیان شده است، این دلیل برای کسانی قابل ذکر است که به نظر آنان پیامبر اکرم(ص) متعبد به شریعت خاصی بوده است؛ اما در رابطه با کسانی که از دیدگاه آنان پیامبر اکرم(ص) تابع شریعت خاصی نبوده و به صورت عمومی به تمام شرایع آسمانی عمل می‌کرده است، نمی‌تواند باعث افتخار و مباحثات قومی بر دیگری باشد. زیرا به دلیل تعدد طوایف که هر کدام شریعتی داشته‌اند، افتخار یکی بر بقیه ممکن نبود (عضالدین، ۱۴۲۱ق، ص ۳۶۹).

نهم- پیامبر اکرم(ص) منسوب به هیچ پیامبری نیست تا یکی از افراد امت‌های آنان باشد. ایشان شریعتی مستقل دارد که از طرف خداوند بر وی گشوده شد. ایشان به خداوند ایمان داشت. شواهد خوبی بر ایمان حضرت وجود دارد (قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۶، صص ۵۸ و ۵۷). بر بت سجده نکرد، زنا و شرب خمر نکرد و نسبت به بت‌ها بغض داشت. هم‌چنین قبل از بعثت با وقوف مشرکان در مزدلفه مخالفت کرد و خود ایشان در عرفه وقوف کردند.

دهم- روایاتی بر این که پیامبر اکرم(ص) قبل از بعثت بر اساس شریعت مخصوص به خود، خداوند را عبادت می‌نموده است، وجود دارد. این روایات را می‌توان در موارد زیر دسته‌بندی کرد:

الف- روایات مستفیض (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱، ص ۶۱-۵۴) که از آن‌ها برداشت می‌شود پیامبران(ع) از آغاز زندگی، مؤید به روح القدس بوده‌اند (شیر، ۱۳۵۲ق، ج ۱، ص ۱۳۵).

ب- روایت احوال که بر نبوت پیامبر اکرم(ص) قبل از بعثت دلالت دارد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۲۷۸). متن این روایت در کافی این‌گونه آمده است: «احوال می‌گوید از امام باقر درباره‌ی رسول و نبی و محدث پرسیدم، فرمود: «رسول کسی است که جبرئیل پیش او آید و او را ببیند و با او سخن گوید و اما نبی کسی است که در خواب ببیند، مانند خواب دیدن ابراهیم (فرمان سر بردن پسرش را) و مانند آن‌چه رسول خدا(ص) پیش از آمدن وحی از اسباب و علائم نبوت می‌دید تا آن‌که جبرئیل رسالت را برای او از جانب خدا آورد و محمد(ص) هنگامی که نبوت برایش فراهم گشت و رسالت از جانب خدا برای او آمد، جبرئیل برایش پیام می‌آورد و شفاهاً با او سخن می‌گفت. بعضی از انبیا نبوت برایش جمع شود و در خواب ببیند و روح القدس نزدش آید و با او سخن گوید و بازگو نماید، بدون آن‌که در بیداری ببیند و اما محدث آنست که خیر داده شود، صدا را بشنود ولی مشاهده نکند و

در خواب نبیند» (کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۱۷۶). این روایت با اخباری نظیر «کنت نبیا و آدم بین الماء و الطین» (شبر، ۱۳۵۲ق، ج ۱، ص ۱۳۵) یا «بین الروح و الجسد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۲۷۸) تأیید می‌شود.

در مقام نقد روایت کافی، چنین بیان شده است:

اولاً ممکن است این روایت درباره‌ی اصول اعتقادی یا آماده سازی پیامبر اکرم(ص) برای رسالت باشد و منافاتی با پیروی ایشان(ص) از شرایع پیشین ندارد. ثانیاً تاریخ تشریح نماز، روزه و زکات در کتاب‌های تاریخی مشخص بوده است و مربوط به بعد از بعثت است (جعفری، ۱۳۸۴ش، صص ۶۶ و ۶۷). هم‌چنین درباره‌ی نبوت پیامبر اکرم(ص) قبل از آفرینش آدم(ع) اشکال شده که حدیث مربوط به عالم ارواح و عالم ذر است و تنها بر شرافت و برتری پیامبر اکرم(ص) دلالت داشته و سبب اثبات پیامبری ایشان قبل از بعثت نیست (همان، ص ۶۷).

ج- با توجه به روایت کلینی از یزید کناسی که به حجت بودن عیسی(ع) و یحیی(ع) بر انسان‌ها در کودکی اشاره داشته است (کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۳۸۲). روایات متعددی که بیان می‌دارد خداوند متعال هیچ فضیلت و کرامت و معجزه‌ای را به پیامبری اعطا نفرمود، مگر این‌که به محمد(ص) عطا نمود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۲۷۹). چگونه ممکن است عیسی(ع) در گهواره و یحیی(ع) در کودکی نبی باشند، ولی محمد(ص) تا ۴۰ سالگی پیامبر نباشد (شبر، ۱۳۵۲ق، ج ۱، صص ۱۳۵ و ۱۳۶)؟!

۳- توقف در عبادت یا عدم عبادت پیامبر اکرم(ص)

براساس این دیدگاه از آنجایی که دلیلی قطعی و یقینی بر نفی یا اثبات شریعت برای پیامبر اکرم(ص) در دوران قبل از بعثت در دست نداریم، نمی‌توان در این خصوص قضاوتی کرد. از جمله قائلان این نظریه، می‌توان به غزالی (غزالی، ۱۴۱۷ق، صص ۱۶۵ و ۱۴۱۹ق، ص ۳۱۹، آمدی (آمدی، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۱۳۷)، قاضی عبدالجبار (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۲۷۱؛ آمدی، همان)، سید مرتضی (علم الهدی، ۱۳۴۸ش، ج ۲، ص ۵۹۵)، سبکی (سبکی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۷۵)، نووی (مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۳۵۸)، میرزای قمی (میرزای قمی، بی‌تا، صص ۴۹۴ و ۴۹۵) و امام‌الحرمین جوینی (قاضی عیاض، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۴۸؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۷۱) اشاره کرد. قول مختار غزالی در این خصوص این است که تمام

دیدگاه‌های مذکور، عقلاً جایز است؛ اما آنچه که واقع شده است، به‌طور قطع و یقین مشخص نیست (غزالی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۶۵).

دلایل این گروه به شرح ذیل است:

اول- هیچ‌یک از دو قول - عبادت و عدم عبادت پیامبر قبل از بعثت - ترجیحی بر یکدیگر ندارند و دلیل یکی، ناقض دلیل دیگر است. در حقیقت ادله‌ی این دو گروه با هم تعارض داشته، ساقط می‌شوند. در خصوص پیروی پیامبر اکرم(ص) از شرایع پیشین در مقام وقوع گفته شده است از آنجایی که اصل، عدم وقوع است و دلیلی در این زمینه وجود ندارد، دلیل‌هایی هم که ذکر شده است - افزون بر عدم دلالت بر وقوع - با دلیل‌های دیگر ناسازگارند (آمدی، ۱۳۸۷ق، ج ۴، صص ۱۳۸ و ۱۳۹؛ مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۳۵۹). بنابراین- این قول صحیح در مقام وقوع، توقف است (آمدی، همان، ج ۴، صص ۱۳۷ و ۱۳۸).

دوم- سیدمرتضی پس از طرح دیدگاه‌ها در مورد تعیین شریعتی که پیامبر اکرم(ص) قبل از نبوت براساس آن خداوند را عبادت می‌نموده است، قول به توقف را انتخاب کرده و چنین می‌نویسد: «دلیل ما این است که تعبد به شرایع، تابع مصالحی است که خداوند متعال در تکلیف عقلی به آن آگاهی داشته و هیچ امتناعی ندارد که خداوند بداند که هیچ‌گونه مصلحتی در عبادت پیامبرش به شریعت قبلی وجود ندارد؛ چنان‌که امتناعی ندارد خداوند در این عبادت مصلحتی ببیند (و او را به عبادت شریعت سابق مأمور نماید) و حال که هر یک از دو وجه می‌تواند جایز باشد و نمی‌توان به یکی از دو نظر قطع و یقین پیدا نمود. لازم است که توقف نموده و بدون گرایش به یکی از دو قول باقی بمانیم و برای کسی که قائل به این نظر است که رسول‌خدا(ص) متعبد به شریعتی نبوده است، این محذور وجود ندارد که اگر از شریعتی پیروی نماید در حقیقت از صاحب آن شریعت هم پیروی نموده است و این (عقلاً) جایز نیست؛ زیرا رسول‌خدا(ص) اشرف و برترین خلق خداوند است و تبعیت او از پیامبری دیگر، تبعیت افضل از مفضول است (علم الهدی، ۱۳۴۸ش، ج ۲، صص ۵۹۵ و ۵۹۶).

نتیجه

این قول که پیامبر اکرم(ص) قبل از بعثت، خداوند را عبادت نمی‌کرده است، غیرقابل پذیرش است؛ زیرا با زندگی تاریخی ایشان، انجام برخی رفتارها و اعمال عبادی؛ مانند نماز، روزه، گفتن بسم الله در ابتدای خوردن و آشامیدن و... منافات دارد. بدون هیچ تردیدی پیامبر اکرم(ص) قبل از بعثت، از یکتاپرستی دور نشد و از هر نوع شرک پاک بود و هرگز بر بت سجده نکرد. سالیان درازی قبل از بعثت برای تهجد و نیایش به غار حرا می‌رفت و تمام

ماه رمضان را در آن‌جا مشغول عبادت می‌شد. از سویی در صورت متعبد نبودن به شریعت، این امر به عنوان نقیصه‌ای برای ایشان مطرح می‌گردد که مردم عادی متدین به دینی باشند، ولی پیامبر اسلام(ص) از هیچ دین و آیینی در کارهای روزمره‌ی خود پیروی ننماید. بنابراین برای قول به توقف در عبادت یا عدم عبادت پیامبر اکرم(ص) قبل از بعثت وجه صحیحی به نظر نمی‌رسد.

در زمینه‌ی اعتقادات مانند سایر انبیا، هیچ ایرادی بر پیامبر اکرم(ص) وارد نبوده و در این مورد تمامی آنان متعالی بوده و در اوج قرار دارند؛ زیرا جوهره و ماهیت شریعت‌های آسمانی یکی است و آیاتی از قرآن کریم بر این ادعا صحه می‌گذارند. پیامبر اکرم(ص) قبل از بعثت از نظر تربیتی نیز در نهایت درجه‌ی مکارم اخلاقی قرار داشته و به همین دلیل از موقعیت اجتماعی خاص و منحصری برخوردار بوده است، تا آن‌جا که قوش بنا بر خصلت‌های نیک ایشان را امین نامیدند. ایشان در پناه خداوند متعال دور از آلودگی‌ها و عادات جاهلیت رشد نمود. بنابراین پیامبر اکرم(ص) در اخلاقیات نیز بالاترین مراتب را در اختیار داشت. اما در تعیین شریعت ایشان قبل از بعثت در زمینه‌ی احکام (فروع) خداوند را عبادت می‌کرد و از آن‌جا که جوهره‌ی شرایع آسمانی یکی است و نیز تمامی پیامبران با هم برادر و صاحب یک دین به‌شمار می‌روند، پیامبر اکرم(ص) نیز متعبد به شرایع پیامبران پیشین، به‌صورت نامتعیین (گروهی از پیامبران که نام آنان مشخص نیست) بوده است.

منابع

قرآن کریم.

آلوسی بغدادی، شهاب‌الدین، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، ج ۴، بیروت، دار-
إحياء التراث العربی، ۱۴۰۵ق، ج ۳۰.

آمدی، علی بن محمد، *الإحكام فی أصول الأحكام*، تعلیق: عقیفی، عبدالرزاق، ریاض، بی‌تا، ۱۳۸۷ق،
ج ۴.

ابن اسحاق، محمد، *سیره ابن إسحاق*، تحقیق: حمید الله، محمد، بی‌جا، بی‌تا، ج ۲.

ابن بابویه، محمد بن علی، *من لایحضره الفقیه*، تصحیح و تعلیق: غفاری، علی‌اکبر، ج ۲، قم، جامعه
مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ق، ج ۲.

ابن حبان، محمد بن حبان، *صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان*، تحقیق: الأرئوط، شعیب، ج ۲،
بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۱۴ق-۱۹۹۳ م، ج ۱۴.

- ابن حجر، احمد بن علی، *فتح الباری بشرح صحیح البخاری*، ج ۳، بیروت، دار المعرفه، بی تا، ج ۸ و ۱۲.
ابن حنبل، أحمد بن محمد، *المسند مع منتخب كنز العمال*، بی چا، بیروت، المكتب الإسلامی، ۱۹۸۵م، ج ۲.
- ابن سعد، محمد بن سعد، *الطبقات الكبرى*، بی چا، بی جا، بی نا، بی تا، ج ۱.
ابن عابدین، محمد امین، *حاشیه رد المختار علی الدر المختار شرح تنویر الأبصار*، بی چا، بی جا، مكتب البحوث والدراسات، ۱۴۱۵ق-۱۹۹۵م، ج ۱.
- ابن قدامه مقدسی، موفق الدین عبدالله بن احمد، *روضه الناظر و جنه المناظر*، ج ۳، بی جا، مكتبه الكليات الأزهریه، ۱۹۹۱م، ج ۱.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *تفسیر القرآن العظیم*، تقدیم: عبدالرحمن المرعشلی، یوسف، بی چا، بی- جا، ۱۴۱۲ بی نا، ق-۱۹۹۲م، ج ۱.
- ابن نجار، محمد بن احمد، *شرح الكوكب المنیر*، تحقیق: الزحیلی، محمد و حماد، نزیسه، بی چا، بی- جا، مكتبه العیكان، بی تا، ج ۴.
- أبوالثناء الأصفهانی، شمس الدین محمود بن عبدالرحمن، *بیان مختصر شرح مختصر ابن حاجب*، ج ۱، جده، دارالمدنی للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۹۸۶م، ج ۳.
- ابو زهره، محمد، *خاتم النبیین*، بی چا، بیروت، المكتبه العصریه، بی تا، ج ۱.
ابویعلی، محمد بن حسین، *العهده فی اصول الفقه*، ج ۳، بی جا، ۱۴۱۴ق-۱۹۹۳م، ج ۳.
إمام الحرمین (جوینی)، عبدالملک، *البرهان فی أصول الفقه*، ج ۱، قطر، بی نا، ۱۳۹۹ق، ج ۱.
بحرانی، ابن میثم، *قواعد المرام فی علم الکلام*، تحقیق: حسینی، سید احمد، ج ۲، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ق.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، *الجامع الصحیح*، بی چا، بی جا، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۰۱ق-۱۹۸۱م، ج ۱، ۳، ۴ و ۵.
- بصری، ابوالحسین، *المعتمد فی اصول الفقه*، بی چا، دمشق، بی نا، ۱۳۸۵ق، ج ۲.
- بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، *دلائل النبوه و معرفه أحوال صاحب الشریعه*، ج ۱، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق، ج ۲.
- جعفری، یعقوب، *تاریخ اسلام از منظر قرآن*، بی چا، قم، معارف، ۱۳۸۴ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*، ج ۲، بی جا، مؤسسه آل البيت (ع) لإحیاء التراث، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱.
- حصکفی، محمد بن علی، *الدر المختار*، بی چا، بی جا، مكتب البحوث و الدراسات، ۱۴۱۵ق-۱۹۹۵م، ج ۱.
- زرکشلی، محمد بن بهادر، *البحر المحیط فی اصول الفقه*، ج ۲، کویت، دارالصفوه، ۱۴۱۳ق-۱۹۹۲م، ج ۶.

- زمخشری، محمود بن عمر الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الأقاویل، بی‌جا، مصر، مصطفی البابی الحلبی و أولاده، ۱۳۸۵ق-۱۹۶۶م، ج ۳ و ۴.
- سبکی، علی بن عبدالکافی و سبکی، عبدالوهاب بن علی، الإیهاج فی شرح المنهاج، بی‌جا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۴ق، ج ۲.
- سیلاوی، غالب، الانوار الساطعه من الغراء الطاهره، خدیجه بنت خولید(س)، بی‌جا، بی‌جا، بی‌نا، ۱۴۲۱ق.
- شتر، عبدالله، حق الیقین فی معرفه اصول الدین، بی‌جا، صیدا، عرفان، ۱۳۵۲ق، ج ۱.
- شوکانی، محمد بن علی، ارشاد الفحول الی تحقیق الحق من علم الاصول، ج ۱، ریاض، دارالفضیله، ۱۴۲۱ق-۲۰۰۰م، ج ۲.
- صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و الرشاد، تحقیق: عبدالوجود، عادل أحمد و معوض، علی محمد، بی‌جا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق، ج ۸ و ۲.
- طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بی‌جا، قم، منشورات جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه، بی‌نا، ج ۱۸.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی التفسیر القرآن، بی‌جا، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ۹ و ۱۰.
- طوسی، محمد بن حسن، عده الاصول، تحقیق: انصاری قمی، محمدرضا، بی‌جا، قم، بی‌نا، ۱۴۱۷ق، ج ۲.
- طوفی، نجم‌الدین، شرح مختصر الروضه، تحقیق: ترکی، عبدالله بن عبدالمحسن، ج ۲، بی‌جا، بی‌نا، ۱۴۱۹ق-۱۹۹۸م، ج ۳.
- عضدالدین ایجی، عبدالرحمن بن احمد، شرح العضد علی مختصر المنتهی الاصولی، ج ۱، بیروت-لبنان، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق-۲۰۰۰م.
- علم الهدی، سید مرتضی، الذریعه الی اصول الشریعه، تعلیق: گرجی، ابوالقاسم، بی‌جا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸ش، ج ۲.
- غزالی، محمد بن محمد، المستصفی من علم الاصول، تصحیح: عبدالشافی، محمد عبدالسلام، بی‌جا، بیروت-لبنان، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق-۱۹۹۶م.
- _____، المنحول من تعلیقات الاصول، تعلیق: هیتو، محمدحسن، ج ۳، دمشق، انتشارات دارالفکر، ۱۴۱۹ق.
- فخر رازی، محمد بن عمر، المحصول فی علم الاصول، تحقیق: فیاض العلوانی، طه جابر، ج ۳، بی‌جا، بی‌نا، ۱۴۱۲ق، ج ۳.
- قاضی عیاض، ابوالفضل، الشفاء بتعریف حقوق المصطفی، بی‌جا، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ق، ج ۲.

- قرافی، احمد بن ادریس، شرح تنقیح الفصول فی إختصار المحصول فی الأصول، بی‌جا، بیروت-لبنان، دارالفکر، ۱۴۲۴ق-۲۰۰۴م.
- قرطبی، محمد بن أحمد، الجامع لأحكام القرآن، بی‌جا، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۶. فتال نیسابوری، ابوعلی، روضه الواعظین، بی‌جا، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- القشیری النیشابوری(مسلم)، ابوالحسن بن حجاج، المسند الصحیح المختصر من السنن بنقل العدل عن العدل إلی رسول الله(ص)، بی‌جا، بیروت-لبنان، دارالفکر، بی‌تا، ج ۴ و ۸.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح و تعلیق: غفاری، علی اکبر، چ ۵، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۳ش، ج ۱ و ۴.
- مؤمن، ماجده، حج در آیین یهود، رهبر، محمدتقی، مجله میقات حج، ش ۴۰، ۱۳۸۱ش.
- مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۳، بیروت، دارالوفاء، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱، ۱۵، ۱۸ و ۲۶.
- مرتضی، جعفر، الصحیح من سیره النبی الاعظم، بی‌جا، بیروت، دارالسیره، ۱۴۲۰ق، ج ۲.
- مطیعی، محمد بخیت، سلم الوصول لشرح نهایه السؤل، بی‌جا، قاهره، عالم الکتب، ۱۳۴۳ق، ج ۳.
- مقریزی، تقی‌الدین، إمتاع الاسماع بما للنبی من الاحوال و الاموال و الحفده و المتاع، تحقیق و تعلیق: نمیسی، محمد عبدالحسین، بی‌جا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق، ج ۲.
- میرزای قمی، ابوالقاسم، قوانین الاصول، بی‌جا، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- ناصر، منصور علی، التاج الجامع للأصول فی أحادیث الرسول(ص)، بی‌جا، بیروت، دارالجیل، بی‌تا، ج ۳.